

ستایش مخصوص ذات خدایی که پروردگار جهانیان است، همان ذاتی که در قرآن کریم چنین می فرماید: **(قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ)** ترجمه: «بگو: بتحقیق پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است، دین درست (و پا برجا)، دین (حنیف) ابراهیم حق پرست، که از مشرکان نبود»، و گواهی می دهم براینکه نیست معبود برحق جز الله واحد لا شریک، و گواهی می دهم براینکه سردار و پیامبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده خدا است، در حدیثی می فرماید: «پروردگارم مرا نیک ادب داده است»، **اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَبَارِكْ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ ، وَمَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.** اما بعد!

اسلام با نظام و روش کاملی آمده که رابطه انسان را با پروردگارش، و رابطه او را با مردم و رابطه او را با تمام جهان هستی تنظیم می کند، و شریعت اسلام مملو از نظام و آداب عمومی است که بر ترقی، رفاه و پیشرفت جامعه سهم می گیرد، از آنجمله: ادب اجازه خواستن است: اسلام اجازه خواستن را مشروع گردانده و از جمله آداب اسلامی قرار داده که به هر فرد جامعه خصوصیت و ویژگی اش را می دهد، چنانچه خداوند متعال می فرماید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)** ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده اید! وارد خانه هایی جز خانه های خود نشوید، تا اجازه بگیرید، و براهل آن (خانه) سلام کنید، این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید»، و پیامبر صلی الله علیه وسلم آداب و روش اجازه خواستن را به ما تعلیم داده است، از آداب آن: در نخست باید کسی که اجازه می خواهد به سلام آغاز نماید، و نام خود را بگوید، در حالی که پیامبر صلی الله علیه وسلم در خانه بود مردی از او اجازه دخول خواست و چنین فرمود: آیا داخل بیایم؟ پس پیامبر صلی الله علیه وسلم به خادم خود گفت: «نزد این مرد برو و روش اجازه خواستن را به او یاد بده، و برایش بگو: در نخست السلام علیکم بگوید، و سپس بگوید: آیا اجازه هست داخل خانه بیایم؟»، پس آن مرد آنچه را که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود، شنید، و گفت: السلام علیکم، آیا اجازه هست داخل خانه بیایم؟ سپس پیامبر صلی الله علیه وسلم

به او اجازه داد و او وارد خانه شد، جابر رضی الله عنه می گوید: نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمدم و دروازه را کوبیدم، پس فرمود: «این چه کسی است؟»، گفتم: من، فرمود: «من، من!» گویی که چنین روش را زشت پنداشته بود.

برخی دیگری از اجازه خواستن: فروگرفتن چشم از نگاه کردن به درون خانه و نه ایستادن رو بروی دروازه است، پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «اجازه خواستن تنها به خاطر چشم انداختن است»، و از سعید بن عباد رضی الله عنه روایت است او روزی در حال اجازه خواست که روبروی دروازه ایستاده بود، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم به او گفت: «در حالی که رو در روی دروازه ایستاده هستی اجازه خواه» روایت است هرگاه پیامبر صلی الله علیه وسلم می خواست اجازه ورود به خانه‌ای را بگیرد هیچگاه رو در روی دروازه ایستاد نمی شد، بلکه طرف راست یا چپ دروازه ایستاده اجازه می خواست و یا بر می گشت.

و برخی آداب عمومی که اسلام بر آن تشویق نموده است: **آداب راه ها و اماکن عمومی** می باشد، اسلام برای راه حقوقی قرار داده که باید ادا شود، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «از نشستن در راه ها پرهیزید»، گفتند: ای رسول خدا! چرا نباید به راه ها بنشینیم در حالی که ما سخن می گوئیم (یعنی کار زیانباری انجام نمی دهیم)، پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «اگر ناچار باید برسر راهی بنشینید باید حق آنرا ادا نمایید»، گفتند: حق آن چیست؟ فرمود: «فرو بستن چشم از دیدن محارم، پرهیز کردن از آزار و اذیت دیگران، پاسخ دادن سلام، امر به معروف و نهی از منکر»، پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیث دیگری می فرماید: «ایمان هفتاد و چند - یا شصت و چند - شعبه و بخش دارد، پس بهترین آن گفتن لا اله الا الله و ادنای آن دور کردن اشیای مضر از سر راه است، و حیا یکی از بخشها و شعبه های ایمان است»، پس لازم کسی که راه یا اماکن عمومی را استخدام می کند نباید صدای خود را بلند نماید، یا به صدای بلند دلخراش سخن بگوید، و نباید به صدای اخلاص گر خنده کند، و نباید پلیدی ها و زباله خود را به راه بیاندازد، بلکه باید آن را در جاهای مخصوص آن بگذارد، بلکه باید هر چیزی مضر را از راه دور نماید، همچنین نباید راه ها را بند نماید، و نباید با نظر اندازی یا

گفتن الفاظ رکیک و حرکات نا درست باعث آزار و اذیت عبور کنندگان راه شود.

و برخی از آداب همچنین: **آداب نظافت** است، اسلام نظافت و پاکی کامل بدن، لباس و مکان را بخشی مهم و غیر قابل جدایی از شریعت قرار داده است، طوری که باید مناسب حال و رفتار انسانی و ارزشهای تمدنی بوده باشد؛ بناءً اسلام بر شماری از آداب و رفتارهای تشویق می نماید که باعث نظافت و پاکی و زیبایی انسان می شود و هیچ کسی از او نفرت نمی کند، خداوند متعال مسلمانانی را توصیف نموده که بر نظافت جان و پاکی ظاهر و باطن شان تلاش دارند، چنانچه می فرماید: { إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ } ترجمه: «به راستی که خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست می دارد». و پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «همانا خداوند پاک است و پاکان را دوست می دارد»، همچنین می فرماید: «پاکی نیم ایمان است...»، پیامبر صلی الله علیه وسلم مردی ژولیده مویی را دید که موهایش پراکنده است، فرمود: «آیا این شخص چیزی پیدا نکرده تا با او موی خود را جمع و آرام می نمود؟»، و مرد دیگری را دید که لباسهای پلید در تن دارد، فرمود: «آیا این شخص آبی نیافته تا با آن لباس خود را می شست؟.»

همچنین پیامبر صلی الله علیه وسلم بر نظافت دندانها تشویق نموده است تا باعث بدی بوی دهان نشود، و دیگران را اذیت نکند، طوری که می فرماید: «اگر بر امتم -یا بر مردم- مشقت نمی شد حتما آنها را به مسواک نمودن در وقت هر نماز امر می کردم.»

و برخی دیگری از آداب همچنین: **آداب گفتگو** است، چون گفتگو یکی از وسایل شناخت و تصحیح مفاهیم است، در واقع اسلام دروازه گفتگو میان همه مردم را گشوده است؛ تا باشد بدون سختی و قیود به حقیقت و هدایت برسند، لیکن باید گفتگو دور از طعن و عیب جویی و مسخره و حقارت کردن دیگران بوده باشد، خداوند می فرماید: { وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ } ترجمه «با آنها طور نیک و پسندیده برخورد کن»، همچنین می فرماید: **(وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا)** «و به بندگانم بگو: (با یکدیگر) سخنی بگویند که آن بهترین باشد، بی گمان شیطان میان آنها فتنه (و فساد)

می‌کند، به راستی که شیطان دشمن آشکاری برای انسان است»، پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «هیچگاه مسلمان، طعنه زن، نفرین کننده، زشت کار و پست فطرت نمی‌باشد»، پس باید گفتگو به صورت بهتر و پسندیده و استوار بر پایه های دانش، بیطرفی و مطابق مقتضای حال بوده باشد.

از آنجمله: **متأكد شدن بر صحت اخبار و تفکر و دقت پیش از نقل آن می‌باشد**، خداوند متعال می‌فرماید: **(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصِبْحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُم نَادِمِينَ)** «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! اگر (شخص) فاسقی خبری برای شما آورد، پس (دربارهٔ آن) بررسی (و تحقیق) کنید، تا آنکه (مبادا) به گروهی از روی نادانی آسیب برسانید، آنگاه بر آنچه انجام داده‌اید پشیمان شوید»، پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «دقت و تفکر از طرف خداوند و عجله از طرف شیطان است»، همچنین می‌فرماید: «تانی و درنگ در همه چیز خوب است مگر در عمل آخرت»، همچنین می‌گوید: «همین دروغ انسان را کافست تا هرآنچه را که می‌شنود به دیگران انتقال بدهد.»

و برخی دیگری از آداب: **عدم انتقال و تکرار شایعه و عدم پذیرش آن است**؛ زیرا در انتقال آن کمک بر ترویج و نشر آن است، چون شایعات وقتی زبانها آنرا تکرار نماید و گوشها به فرا داده شود و دل‌هایی آنرا بپذیرد و تصدیق نماید، بیشتر ترویج می‌شوند، خداوند می‌فرماید: **(إِذ تَلَقَوْنَهُ بِالْأَسْبَتِمْ وَتَقُولُونَ بَأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ)** «زمانی‌که آن (شایعه) را از زبان یکدیگر می‌گرفتید، و بادهان خود سخنی می‌گفتید که به آن علم (و یقین) نداشتید، و آن را سهل (و کوچک) می‌پنداشتید در حالی‌که آن نزد الله بسیار بزرگ است»، و پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید: «کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد هیچگاه همسایه خود را اذیت نمی‌کند، و کسی که به خدا و روز آخرت ایمان دارد مهمان خود را اکرام و احترام می‌نماید، و کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد پس یا سخن خیر و نیک می‌گوید یا خاموش می‌باشد.»

و برخی دیگری از آداب عمومی که اسلام آورده است: **آهسته سخن گفتن است**، به این معنا که نباید انسان به حضور کسی که

از او بزرگتر است صدای خود را از اندازه عادی بلند نماید. در وصیت نامه های لقمان حکیم چنین آمده است طوری که خداوند متعال حکایت می کند: **(وَافْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَأَعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ)** «و در راه رفتنت اعتدال را رعایت کن، و از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد نزن) زیرا زشت‌ترین صداها؛ صدای خران است»، خداوند متعال کسانی را توصیف نموده که صدای خویش را بلند نمی کنند به ویژه به حضور حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم، چنانچه می فرماید: **(إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ)** «بی‌گمان کسانی که صدای خود را نزد رسول الله پایین می‌آورند، آن‌ها کسانی هستند که الله دل‌های شان را برای تقوا آزموده (و خالص گردانیده) است، برای آن‌ها آمرزش و پاداش عظیمی است.»

و برخی دیگری از آداب عامه: **راه‌نمایی کردن انسان راه گم** است، به این معنا که او را با توصیف درست راه‌نمایی کند و یا کسی را با او راهنما بفرستد، پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «از نشستن به سر راه‌ها پرهیزید، گفتند: ای رسول خدا! چرا نباید به سر راه نشینیم در حالی که ما سخن می‌گوییم، فرمود: پس وقتی ناچار باید به سر راه بنشینید باید حق آن را ادا نمایید، گفتند: حق آن چیست؟ فرمود: فرو بستن چشم از دیدن نا محرم، پرهیز از آزار و اذیت دیگران، پاسخ دادن سلام، امر به معروف و نهی از منکر نمودن، و راه‌نمایی کردن انسان راه گم.»

أقول قولي هذا وأستغفر الله لي ولكم

ستایش مخصوص ذات خدایی که پروردگار جهانیان است، و گواهی می‌دهم براین که نیست معبود برحق جز الله یکتای بی‌همتا، و گواهی می‌دهم که سردار و پیامبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده خدا است، اللهم صلّ وسلم وبارك عليه، وعلى آله وصحبه أجمعين.

برادران مسلمان!

آداب عمومی مهم دیگری نیز هست که باید مسلمان با آن خود را آراسته بسازد، برخی آنها: فریادرسی انسان مجبور است، اسلام این وظیفه را از بزرگترین اعمال و عزیزترین نزدیکی‌ها به خداوند متعال قرار داده است، از ابی ذر رضی الله عنه روایت است که رسول

اللہ صلی اللہ علیہ وسلم فرمود: «در هر روزی که آفتاب طلوع می کند بر بالای هر نفس بنی آدم صدقه است، گفته شد: ای رسول خدا! مال را از کجا کنیم تا هر روز صدقه نماییم؟ فرمود: بی گمان دروازه های خیر بسیار است: تسبیح و تحمید و تکبیر و تهلیل و امر به معروف و نهی از منکر همه کار خیر و صدقه هستند، همچنین دور کردن اشیای مضر از راه، گوش فرا دادن به کر، راهنمایی کردن کور، راهنمایی کردن کسی که نیازمند است، و تلاش کردن و رفتن به طرف کسی که مجبور است، برداشتن بار انسانهای ضعیف همه و همه صدقه نفس انسان است» (صحیح ابن حبان).

و برخی دیگری آن: همکاری کردن ناتوانان و معیوبان و کسانی که دارای نیازمندی ویژه می باشند، زیرا تکامل و همبستگی اجتماعی پیش از فقیر منفعت ثروتمند است تا توازن اجتماعی در زندگی برقرار شود؛ طوری که امام علی رضی اللہ عنہ می فرماید: «خداوند متعال روزی فقرا را بر اموال ثروتمندان فرض نموده است، پس هیچگاه فقیر گرسنه نمی ماند مگر که ثروتمند بخل ورزد، و خداوند متعال از این موضوع ثروتمندان را مورد بازپرس قرار می دهد». پس خداوند متعال به کسانی نزدیک است که قلبهای شان شکسته، و به کسانی مهربان است که به بندگان او مهربانی می کنند، خداوند هیچ کار نیک و پسندیده را بی ارزش نمی داند اگرچه سخن نیکی بوده باشد؛ پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم می فرماید: «هیچگاه کار نیک را حقیر مشمار، اگرچه ملاقات با برادرت به چهره باز بوده باشد»، همچنین می فرماید: «و آیا شما جز با همکاری ضعفای تان کمک و روزی داده می شوید؟»، و خداوند در کمک و یاری بنده خود است تا وقتی بنده در خدمت و همکاری برادر خود بوده باشد.

و برخی دیگر آن: احترام گذاشتن به بزرگان می باشد، پس باید خوردان قدر و جایگاه بزرگان را بشناسند، و بزرگان مأمور هستند تا با اطفال مهربان باشند و با آنها با نرمی و مهربانی رفتار نمایند، پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم می فرماید: «وقتی مسلمان بزرگسالی را احترام نماید خداوند متعال کسی را موظف می کند تا او را در سن بزرگسالی احترام نماید»، این آداب از مظاهر بزرگی و مهربانی و تحمل و عدل و انصاف اسلام و اهتمام آن به بشریت می باشد، چون پیامبر صلی اللہ علیہ وسلم احترام بزرگسالان و حامل قرآن و حاکم عادل را از مظاهر احترام و اجلال خداوند متعال گردانده است، چنانچه

می فرماید: «همانا احترام مسلمان بزرگسال، حامل قرآن و حاکم عادل از جمله اجلال و عظمت خداوند متعال است»، همچنین میفرماید: «کسی که با صغیرما مهربان نباشد و بزرگ مارا احترام نکند و امر به معروف و نهی از منکر ننماید از ما نیست.»

درک درست سماحت و تحمل اسلام چنین می فهماند که برای احترام بزرگسال مسلمان بودن او شرط نیست، چون در حدیثی روایت شده که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر اهل بیت یهودی بزرگسال صدقه می نمود، همچنین حضرت عمر بن عبد العزیز به والی خود در بصره می نویسد: ببین اگر در شهر تو کسی از اهل ذمه سنش بزرگ شده و قوتش ضعیف گشته و نمی تواند کار کند پس از بیت المال مسلمانان به او پرداز و نیازمندی او را برآورده بساز. و برخی از حقوق مجتمع بر فرزندان آن این است که باید منافع و مصالح عمومی آنرا حفظ نمایند. اگر ما به طور نمونه قضیه زیادت سکانی و افزایش شهروندان را مد نظر بگیریم، بر دو موضوع تأکید می نماییم: نخست: برخی ها به خود می نگرد اگر توانمند و ثروتمند بوده باشد، پس باید بداند که توانایی و ثروت تنها توانایی مادی نیست بلکه هم توانایی مادی و هم توانایی تربیتی و معنوی و آنچه که شامل همه بخش‌های رعایت و عنایت می شود نیز می باشد، همچنین هدف تنها توانایی فردی نه بلکه توانایی گروه ها و کشورها نیز می باشد تا بتواند خدمات درست تر و خوبتری تقدیم جامعه گردد چون افراد به تنهایی شان نمی توانند همه نیازهای خود را برای خویش آماده بسازند، بنابراین باید حالت و امکانات کشورها در هر بخش های عملی سکانی آن نیز مد نظر گرفته شود، چون افزایش بی تنظیم شمار نفوس و شهروندان تنها بر افراد و خانواده ها تأثیر وارد نمی کند بلکه اضرار آن شامل کشورهایی نیز می شود که برای تنظیم خانواده و موضوعات شهروندی برنامه ها و راه های حل ندارند، زیرا آسایش و سختی تنها به مقیاس افراد سنجیده نمی شود بلکه حالات و امکانات و توانایی های عمومی کشورها نیز باید در نظر گرفته شود.

دوم: در واقع کم توانمند بهتر از زیاد ضعیف و ناتوان است، چون پیامبر صلی الله علیه وسلم زیاد ناتوان را به کف روی دریا تشبیه نموده است، زیرا حالات بد و استثنائی که برخی کشورها دچار آن هستند و نمی توانند خدمات اساسی مانند بهداشت و آموزش و زیربنا را

تقدیم جامعه خود نمایند به سبب ظروف بی نظم و بدون جلوگیری و تنظیم خانواده ها می باشد، چون این بی نظمی باعث این می شود که زیادت شهروندان مانند کف روی آب دریا بوده باشد، و هر انسان عاقل می داند هرگاه میان کیفیت با کمیت تعارض واقع شود جانب کیفیت ترجیح داده می شود نه کمیت زیرا کمیت بی کیفیت هیچ دردی را درمان نمی کند، در اینجا است که دانسته می شود کم با کیفیت و قوی هزار و یک بار بهتر از زیاد بی کیفیت و ضعیف است. زیرا زیادتی که باعث ناتوانی، جهالت و پسمانی از کاروان تمدن و تقدم می شود و بار دوش دولت می باشد و دولت بنا بر کمی امکانات و مواردش نمی تواند از عهده مسئولیت آن برآید، این چنین زیادت را پیامبر صلی الله علیه وسلم به کف روی آب دریا تشبیه نموده است چون این زیادتی است که باعث ضرر می شود نه منفعت.

اللهم اهدنا لأحسن الأخلاق ، لا يهدي لأحسنها إلا أنت ، واصرف عنا سيئها ، لا يصرف عنا سيئها إلا أنت ، واجعلنا من عبادك المخلصين.